

پند و چوبون

از: خسرو شاهانی

سرقت مصلحت آمیز!

در ستون «شاید نخوانده باشید» آتیه شماره ۲۱۵ نوشته شده بود:

* واشنگتن - نوه ۲۰ ساله رونالد ریگان (رئیس جمهور اسبق آمریکا) به اتهام دزدی به شش ماه زندان محکوم شد.

پاز در همان ستون و همان شماره آتیه خواندم:

* نثوآور لئان - گورستان نثوآور لئان به علت داشتن تندیسهای قیمتی و اشیای عتیقه در جهان مشهور است. اما چندی است گروهی از دزدان حرفه ای اشیای عتیقه، شبانه به این قبرستان می آیند و تندیسهای زیبای آن را می دزدند و پس از چند روز این تندیسها و اشیای قیمتی در سمساریهای شهر نیویورک و واشنگتن و حتی اروپا به چشم می خورد. روز دوم خرداد ماه جاری ساعت ۸ بعد از ظهر پای تلویزیون نشسته بودم و از کانال سه برنامه بررسی مطبوعات را نگاه می کردم. از جمله طبق نوشته یکی از نشریات تهران از قول مقامهای انتظامی و پلیس تهران گفته شد روزانه ۱۲۰ دزد در کشور دستگیر می شوند و مستخدم خانه ای در تهران دزد از کار درآمد. به اخبار و نوشته های صفحه حوادث سایر نشریات تهران و ایران و جهان کاری ندارم، چون اگر قرار باشد حتی فهرست وار صورتی از دزدیها و دزدهای کشور خودمان (به کشورهای دیگر باز کاری ندارم) تهیه کنم و به نظر شما برسانم و آماری از این دزد بازار و آقیانوس دزدیها در یک روز به دست بدهم، نه تنها ستون چند و چون جویگویی چاپ آنها نخواهد بود که تمام صفحات آتیه هم کفاف نخواهد داد. مضافاً این که تهیه چنین آماری از عهده یک نفر ساخته نیست، بلکه احتیاج به یک گروه چهار- پنج هزار نفری و متخصص دارد.

به هر تقدیر من وقتی این گونه اخبار را می شنوم و یا در نشریات مختلف می خوانم یا دزدهایی را در لباسهای مختلف می بینم بی اختیار به یاد پیغمبر دزدان دوست محترم جناب آقای استاد دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی می افتم و غصه می خورم که چرا این پیغمبر در ۱۵۰ تا ۱۶۰ سال قبل و اواسط سلطنت قاجاریه ظهور کرد، حال آن که اگر در زمان ما و در این روزگار ظهور می کرد و رهبری پیروان و امتش را به عهده می گرفت که چندین برابر پیروانش در آن زمانها هستند.

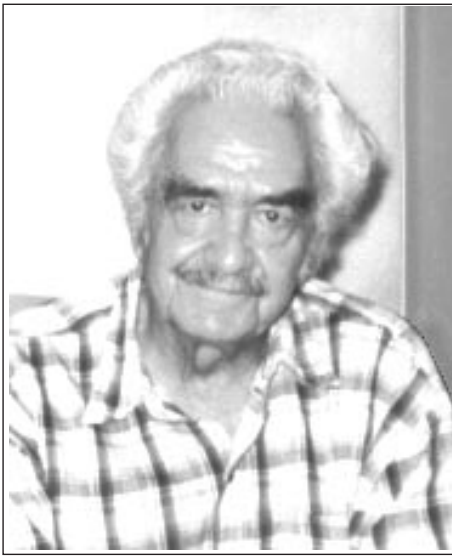
دکتر باستانی پاریزی کتابی دارد به نام پیغمبر دزدان که تا جایی که بنده اطلاع دارم به چاپ نپانزدهم رسیده و این پیغمبر دزدان شخصیتی است ورای همه، عالمی است کم نظیر، شاعری است چیره دست، متدین و خداشناسی است بی مانند و عارفی است خداجو.

می فرماید:

من که دزدان را همه پیغمبرم

روز محشر در جهنم، رهبرم
در طریقت خرقة ها پوشیده ام
کاسه کاسه بنگها نوشیده ام
چون درآید ز آستین ما چماق
در ید بیضا در افتد احتراق
قطب عالم مقتدای سارقان
ملا محسن حکمران سرچهان

با من او فرمود از روز الست مال مردم را بدزد از هر که هست کادم از دزدی فلانی می شود رفته رفته ابلخانی می شود حالا بینیم این پیغمبر دزدان کیست و چه کاره بوده. در صفحه ۷۲ این کتاب آمده است: نامش شیخ محمد حسن و از طرف رحمتعلی علیشاه به لقب صفاعلی مفتخر شده و نسبت او، به طایفه مشهور به حیدری که در رفسنجان مسکن داشته اند، می رسیده و بازماندگان و اقوام او هنوز در رفسنجان مسکن دارند. در کتاب «طرائق الحقایق» تألیف مرحوم حاجی نایب الصدر شیرازی درباره او چنین آمده است:



... باید دانست که پیغمبر دزدان چنان که گفتیم مسلک درویشی داشته و از جانب رحمتعلی شاه به لقب صفاعلی مفتخر بوده. او از جهان بجز مهر علی، چیزی برنگزید و دنیا و مافیها را به دزدان بخشید. ... چنانچه شما کتاب را مطالعه کنید، ملاحظه خواهید کرد که این ملا محسن یا الشیخ محمد حسن السیرجانی با همان ظرافت طبع و روح پاکی که داشته با آن مقام و موقعیت اجتماعی و علمی چه کمکهایی که به بیچارگان و درماندگان و مال باختگان و حتی کسانی که به دروغ و ناحق به دزدی متهم شده اند، می کرده است.



- الشیخ محمد حسن السیرجانی الکرمانی المتخلص به قارانی، اخلاق نیکو داشت و لقب خود را نبی السارقین نهاده، سجع مهر زوجه اش این بود: من از این روی ام السارقینم که با پیغمبر دزدان قرینم هر وقت حکام می خواستند کسی را که نسبت دزدی به او داده بودند نسق یا یسق (مجازات) کنند ناله و فریاد او بلند می شد و می گفت: - تا محقق نشود نمی گذارم به امت من صدمه و آزار وارد آید، و گاه بود که تهمت زده بودند. غرض به این وضعها و خوش طبعیها برای راحت بیچارگان سببی و فرجی می شد. در سال ۱۲۷۶ هجری قمری (ملا محسن) در حکومت نواب والا سلطان مراد میرزا حسام السلطنه به شیراز آمد و مکرر صحبتش دست داد و برای مرحوم واله کتاب حمله حیدری می خواند.

در آن سالها، راهها نا امن بود و حرامیان و قطاع الطریق و سرگردنه بگیران به قافله و کاروانهای بیابانی حمله می کردند و هست و نیست و دار و ندار مسافران قافله را در حدود کرمان و یزد و شهرهای مختلف آن به تاراج می بردند و وقتی چندتن از این دزد زدگان و مالباختگان به خدمت پیغمبر دزدان می رسیدند و شکایت می کردند، ملا محسن که می دانسته این کار و این سرقت بیابانی به دستور حاکم وقت یا گزمه و عسس - که همواره شریک دزد و رفیق قافله بوده اند - صورت گرفته است. نامه ای به گدخدا و دهدار و داروغه و رئیس دزدان و رئیس گزمه و حاکم وقت می نوشته و اموال مالباختگان را پس می گرفته و به صاحبان نشان بر می گردانده است. از جمله در صفحه ۱۲۷ همان کتاب آمده است: - کاروان کالای حاجی غلامرضا تاجر، دچار دزدان

عبوساً قمطیرا

غلامرضا روحانی

طنز هفته

بخواب اردیده بودم آن عبوساً قمطیرا را من ترسو چو ترسا کرده بودم ترک دنیا را عجب بر گردنم طوقی بیفکنند از لعنت خدا رحمت کند خاله رباب و عمه لیلا را چو آیم خانه می بینم نه کلفت مانده نه نوکر که این یک خورده اردنگی و آن یک خورده تپیا را بخواند خویشتن را آیت صلح و صفا لیکن فراهم می کند دایم اساس جنگ و دعوا را چو و هر روز مهمانی و هر شب سینما خواهد من بیچاره ناچارم که خود جارو کنم جا را زمانی بخت و پز که شست و شو که رفت و رو دارم کنم با اشک خونین آب پاشی روی گلها را تاهل بهر من چون بود اسم بی مسمائی کدوئی سرخ کردم تا عمل آرم مسمای سحر بیدار گردم تا سماور را کنم آتش که خانم ظهرا گر خیزد بنوشد جای اعلا را تمام کارها روزی شود اصلاح روحانی که آقا کار خانم کرد و خانم کار آقا را

چهار راهی در بین راه یزد و کرمان می شود و تمام امتعه او که بیشتر شال و ترمه بوده، به غارت می رود. حاجی غلامرضا به ملامحسن (پیغمبر دزدان) متوسل می شود.

پیغمبر دزدان نامه منظومی به سران چهارراهی رؤسای دزدان آن ناحیه می نویسد:

امدادی ای رفیقان، وقت آمده خدا را دزدان برهنه کردند، حاجی غلامرضا را تا کند زیر جامه، از پای خویش می گفت «دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا» همین پول حاجی، می برد دزد و می گفت «گفتم تفقدی کن درویش بینوا را» هی بر جناب حاجی، ششیر زدند و گفتند «نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا» ضرب چماق و ششیر، تلخ است در بر تو «گر تو نمی پسندی، تغییر ده قضا را» حاجی چماق خوردن، دانی چه مزه دارد؟ «در وجد و حالت آرد، پیران پارسا را» شال و عبا و جبه، با خیک شیره بردیم «ای شیخ پاکدامن، معذور دار ما را» ملا کریم داد است، سر خیل ما، ازو پرس «تا بر تو عرضه دارد، احوال ملک دارا» و جالب اینجاست که قسمت اعظم مال التجاره حاجی غلامرضا را که دزدان سر چاهی برده بودند، به وسیله پیغمبر دزدان (نبی السارقین) پس گرفته و به صاحبش یعنی حاجی غلامرضا مسترد می شود. بقیه مطالب این کتاب شیرین و خواندنی را خودتان بخوانید و به بنده حق بدهید که به چه علت افسوس می خورم این نبی السارقین چرا نمى باید در زمان ما ظهور کند تا هم امت و پیروانش را که روز به روز، ری می کنند و افزوده می شوند هدایت و ارشاد کند و هم حق خیلها (دزد و مالباخته) پایمال نشود. خداوند روانشان را شاد بدارد که چه مردان بزرگ و با ارزشی بودند که در همه حال و در هر لباس و کسوتی وزیر هر نام و عنوان که بود غم ملت را می خوردند و حق را به حق دار می رساندند.

- ۱- سر جهان آبادی ناحیه ای است در استان کرمان.
 - ۲- حمله حیدری: کتابی است به شعر از ملا بمانعلی کرمانی (زیر نویس صفحه ۷۳)
 - ۳- مقصود حاجی کریمداد جبال بارزی، کانتو جبال بارز است.
 - ۴- این شعر نبی السارقین تضمینی است از غزل معروف حافظ:
- دل می رود ز دستم صاحبان خدا را
دردا که راز پنهان، خواهد شد آشکارا

انجام کلیه امور بیمه شما با برنامه های مناسب و بهترین نرخ

اگر مرتکب جرایم رانندگی متعدد شده اید، تصادف کرده اید، بیمه تان کنسل شده و ... اشکالی ندارد با ما تماس بگیرید

بیمه اتومبیل
AUTO LIABILITY AS LOW AS
۲۶ دلار در ماه

- * بیمه مسکونی، موبیل هوم
- * بیمه درمانی گروهی و شخصی
- * بیمه تجارتي
- * بیمه اتومبیل و موتورسیکلت
- * بیمه بیمانکاران
- * بیمه سوانح محل کار
- * بیمه وسایل نقلیه محل کار

بیشتر

Visit Our Website
For A Free Quotation:
www.egca.com
Lic#OC46021

کورش

SAN JOSE
(408)288-5555

256 Meridian Ave., #2, (at San Carlos) San Jose

SOUTH SAN JOSE
(888)560-3422

MONDAY-FRIDAY 9AM-7PM • Open Saturday